

نگاه کل نگر در دنیای مجازی

پیمان رحیمی نژاد

انسان کشاورز فقط به اندازه نیازهای شخصی تولید می کرد که اساس آن هم مواد غذایی بود. تولید نتیجه انبوه امکانات و علوم نبود بلکه بیشتر نوعی برداشت از طبیعت بود. در آن شرایط نتیجه تولید معمولا یک محصول مادی بود که با نیروی عضله تولید می شد. خواه این عضله متعلق به خود شخص یا خانواده اش بود خواه متعلق به برده، رعیت و یا حتی حیوانات. این نیروی عضلانی از طریق ابزارهایی ساده در طبیعت اعمال می شد. ابزارهای مادی که مالکیت آن کاملا مشخص بود. زمین و آب نیز در کنار ابزارها دارای مالکیت کاملا مشخص بودند. اگر جنگی برای کنترل و بدست گرفتن این دارایی های مادی اتفاق می افتاد معمولا نتیجه آن این بود که آن دارایی به یک طرف جنگ می رسید. امکان تولید و تکثیر یک دشت حاصل خیز، یک رودخانه پر آب یا یک معدن با ارزش وجود نداشت. در این فضای محدود، مدیریت کم ارزش و بیشتر امری شخصی و سلیقه ای بود. قوانین آن را آموخته های خانوادگی و تجربیات حاصل از آزمون و خطا مشخص می کرد.

انسان در دل طبیعت به دنیا می آمد، بزرگ می شد و از دنیا میرفت. هر روز و هر لحظه یک انسان در رابطه با طبیعت بود. امکانات طبیعی لطف و رحمت دیده می شد و سختی ها امتحان یا خشم تلقی می شد. انسان در مقابل طبیعت اختیار بسیار محدودی داشت. به دلیل این محدودیت معمولا هر گونه استفاده انسان از طبیعت به سرعت جبران می شد. انسان قدرت و امکان تخریب واقعی طبیعت را نداشت. زمین با نیروی عضله شخم می خورد. محصول با نیروی عضله برداشت و حمل می شد. آسیابها با نیروی باد یا آب به حرکت در می آمدند. هیزم بیشتر برای پخت و پز یا گرما استفاده می شد. ماهیگیران نیز تنها نیروی عضله یا باد را در اختیار داشتند. تمام این منابع انرژی تجدید پذیر و بدون آلودگی بودند. در این شرایط رابطه قلبی و عمیقی بین انسان با طبیعت وجود داشت. رابطه ای بر مبنای احساس. انسان و طبیعت با هم و در کنار هم معنی پیدا می کردند. انسان و طبیعت مثل بخشهای یک بدن بودند. انسان خارج از طبیعت قابل تصور نبود.

به مرور انسان با ارزش تقسیم و تخصصی کردن کار آشنا شد. تولید بیش از نیاز شخصی و تبادل آن درکی بود که به آرامی در طول چند هزار سال آموخته شده بود با ورود ماشین به زندگی معنا پیدا کرد. مسیری که امکان دستیابی به امکانات بیشتر و رفاه بیشتر را فراهم می کرد. تولید انبوه به انبوهی از امکانات و سرمایه نیاز داشت. و بشر خط تولید را اختراع کرد که انبوهی امکانات و افراد را در کنار هم به کار می گرفت و تولید را انبوه می کرد. اداره کردن این انبوه امکانات و سرمایه به ابزارهای جدید مشارکت نیاز داشت. شرکت سهامی اختراع شد و مفهوم مدیریت گسترش پیدا کرد.

شرکت سهامی شاید اولین دارایی مجازی انسان بود. مالکیت بر چیزی که خودش مالک چیز دیگری بود. مالکیت غیر مستقیم بر دارایی های مادی. منسوجات، محصولات فلزی، مواد غذایی تولید انبوه شده، محصولات فلزی و ماشین آلات معمولا

محصولات نهایی این شرکتها بودند. مالکیت مجازی بر تولیدات غیر مجازی. هر چقدر تولید انبوه تر بود محصول ارزانتر و رقابت پذیرتر بود. این باور اقتصادی به خود محصول جدید (شرکت سهامی) رسید. (شرکتهای سرمایه گذاری) متولد شدند. شرکتهایی برای به وجود آوردن یا گسترش شرکتهای دیگر. مالکیت غیر مستقیم بر مالکیت غیر مستقیم. باز هم مالکیت بیشتر مجازی شد. اما همواره در نهایت محصولاتی مادی تولید می شد.

همانند کل جامعه، در درون شرکت نیز برای انبوه شدن تولید تقسیم کار صورت گرفت. بخشهایی مثل تولید، تامین و نگهداری، تعمیرات، حمل و نقل، حسابداری، فروش و مدیریت متولد شدند. باز هم رقابت و خلاقیت انسانی پیش رفت و بخشهایی در کنار یا از درون بخش دیگر متولد شدند. مثلاً فروش و روابط عمومی که در شرکتهای کوچک به وسیله مدیریت انجام میشد در شرکتهای بزرگ بخشهای مستقل و تخصصی را به خود اختصاص داد. حتی از درون بخش فروش، بخش بازاریابی متولد شد.

در کنار تمام این جریان چند اتفاق تاریخی دیگر به وقوع پیوست.

- زندگی در طبیعت مشکلات بسیار داشت که زندگی را بر انسان سخت کرده بود. و انسان برای دستیابی به رفاه و دوری از این سختیها به صنعت پناه آورد. در نتیجه انسانهایی که در دل طبیعت زندگی می کردند به خانه های سازمانی و انبوه داخل شهرها منتقل شدند. کار در کارخانه های آلوده به دود و صدا جای خودش را به کار در درون طبیعت داد. مشکلاتی جای مشکلات دیگر

- کودکان به جای آنکه در طبیعت زندگی کنند در آپارتمانها یا خیابانهای آلوده شهرها بزرگ شدند. و به جای کشف طبیعت با تجربیات شخصی یا آموختن از بزرگترهای خانواده به مدارس صنعتی رفتند. مدارس صنعتی که کپی شده خط تولید بودند به کودکان به چشم محصول نگاه کردند. محصولی که در یک خط تولید از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر جابجا می شود و کارگر خط (معلم) مقداری کار روی آن می کند و در صورت موفقیت در تست کیفیت (امتحان) به مرحله بعد منتقل می شود. و البته تعدادی از این محصولات هم مثل هر محصول دیگر تبدیل به ضایعات می شوند. کودک صنعتی به جای لمس حیوانات در محیط زندگیشان عکس آنها را در کتابهای درسی یا فیلمهای مستند دید. به جای دراز کشیدن زیر یک درخت پوستر آن را به دیوار زد و رابطه احساسی با طبیعت را به کلی از دست داد. احترام به طبیعت از بین رفت و تنها خشونت طبیعت به عنوان دشمنی که باید شکست بخورد دیده شد. برداشت از طبیعت هیچ حدی نداشت.

- رقابت وحشیانه آموخته شده در مدارس صنعتی به جای روابط انسانی قرار گرفت. رقابت برای آموزش انبوه و یکنواخت لازم بود پس خلاقیت و فرد گرایی سرکوب شد. دبیران و پدر مادرهای آموزش دیده در این نظام کمبودها و عقده های خود را در نسلهای بعدی ریشه دار کردند. افراد که تا قبل از صنعت در کنار هم و در محیط طبیعی زندگی می کردند در تقسیم بندی های مختلف از هم جدا شدند. مردان و زنان، معلولین و سالم ها، معمولی ها و تیز هوشان، پولدارها و بی پول ها، مذهبی ها و غیر مذهبی ها، افراد این فرقه یا آن فرقه، دولتی ها و خصوصی ها، شهری ها و روستایی ها، مهاجرین و بومی ها و هزاران تقسیم بندی دیگر. رقابت انسان با انسان و انسان با طبیعت اساس زندگی صنعتی شد. و روابط انسانی و طبیعت قربانیان این رقابت شدند.

- افزایش جمعیت با همکاری علم و ماشین استفاده از طبیعت را به شدت گسترش داد. برداشت با چنان شدتی شروع شد که به مرور دیگر از میزان توانایی طبیعت برای جبران آن بیشتر بود. طبیعت شروع کرد به تخریب شدن واقعی.

- هیزم که تا قبل از آن برای پخت و پز یا گرما استفاده می شد با تولد ماشین بخار مصرف دیگری پیدا کرد. ماشین بخار وسیله یا ابزار انجام کار بود و برای بخار کردن آب احتیاج به حرارت داشت. ابتداء حجم عظیمی از هیزم و پس از آن زغال سنگ در ماشین بخار استفاده شدند. مصرف عظیم هیزم تجدید پذیری آن را بسبب مشکل و زمان بر می کرد. به خصوص به این دلیل که زمینهای لخت شده از درخت رها نمی شدند بلکه به دلیل خاک غنی به زمینهای کشاورزی تبدیل شدند. برای اولین بار در تاریخ بشر، کار به وسیله نوعی از انرژی انجام شد که تجدید پذیر نبود. که محیط زیست را تخریب و آلوده می کرد. با پیشرفت علم نفت جای خود را به زغال سنگ و هیزم داد. یک انرژی غیر قابل تجدید و به شدت آلوده کننده به دنیا آمد.

شرکت سهامی، تولید انبوه، خط تولید، زندگی در خانه های لانه زنبوری، بازی در کوچه های کثیف و آلوده، مدرسه کارخانه ای با معلمین دارای کمبودهای روحی، پدر و مادرهای مهاجرت کرده و دور افتاده از هویت، دوستی های بی گذشته و ... دست در دست هم به تربیت انسان صنعتی پرداختند. انسانی که در تمدن صنعتی زندگی می کرد باید الزامات آن را می آموخت و اجرا می کرد. باید حرف شنوی داشت، بر اساس استانداردها زندگی و رفتار می کرد، بر اساس استاندارد ها فکر میکرد، میپوشید، غذا میخورد، به مدرسه میرفت، نمره میگرفت، کار و ازدواج می کرد، مصرف می کرد، فکر می کرد و باید از اخبار و اطلاعات مشخصی اطلاع پیدا می کرد. ترکیبی از مدارس، سخن گوها، روابط عمومی ها، رادیو و تلویزیون ها، و مطبوعات مسئول رساندن این اطلاعات استاندارد و تولید طرز فکرهای خاص تمدن صنعتی شدند.

در طول تمام تحولاتی که در طول سه قرن تمدن صنعتی به وقوع پیوست همواره یک واقعیت همچون تمدن کشاورزی ثابت ماند. محصول نهایی همواره از جنس ماده بود. حتی بیشتر کاری که خبرنگاران و روابط عمومی ها انجام میدادن در نهایت به شکل مادی (مثل روزنامه) به دست مردم می رسید. اگر چه گسترش ماشین و نیازهای آن بخش خدمات را در سالهای ابتدایی تمدن صنعتی به شدت گسترش داد اما باز هم خدمات در نهایت در اختیار تولیدات مادی بود.

در سالهای میانه قرن بیستم وقوع جنگهای جهانی که جنگ بین قدرت های صنعتی بود چند تغییر دیگر را که زمینه ساز تحولات آینده بود فراهم کرد. جنگ بین کشورهای صنعتی جنگ بین رقابت بین توانایی تولید و کنترل مواد اولیه و بازارهای مصرفی بود. مدیریت به عنوان عاملی تاثیر گذار در به جمع عوامل تولید اضافه شد و روز به روز ارزش بیشتری پیدا کرد. یک عامل مهم تولید که از جنس ماده نبود. رادیو و تلفن اختراع شد و گسترش پیدا کرد. برای اولین بار تکثیر و انتقال اطلاعات به وسیله ماده (کاغذ) انجام نمی شد. برای اولین بار محصول نهایی از جنس ماده نبود.

گسترش مدیریت به عنوان یک علم و رقابت در تولیدات صنعتی واقعیتی بود که پیش نیاز تحولات بعدی شد. الکترونیک به عنوان ابزاری برای کنترل، اداره و نظارت بر خط تولید مورد استفاده قرار گرفت. ابزارهای ریاضی و آماری که نیازهای مدیر صنعتی را تشکیل میداد از طریق ابزار الکترونیک تاثیر گذارتر از قبل عمل می کردند. و اداره این ابزارها نرم افزارهای خاص خود را می طلبید. این نرم افزارها که در ابتدا به عنوان ابزار کمکی برای تولید مادی استفاده می شدند به مرور زمینه ساز تولیداتی کاملاً غیر مادی شدند و پس از آن نیز خود تبدیل به محصول اصلی شدند.

برای اولین بار در تاریخ محصولات به وجود آمد که بر پایه ماده نیست. یک بشکه نفت، یک رودخانه یا زمین کشاورزی و یا یک تن مس قابل تکثیر نیست اما یک برنامه مدیریتی، مجموعه ای از اطلاعات آماری یک بازار خاص، اطلاعات حسابداری یا

کارگزینی یک سازمان ، یک بازی کامپیوتری ، یک موزیک یا یک مجموعه عکس و ... در فضای مجازی به راحتی قابل تکثیر هستند . حتی وابستگی اولیه ای که به نوارهای ریل و کاست و یا سی دی های بعدی به عنوان حامل های مادی وجود داشتند به مرور از بین رفت .

الکترونیک اجازه گسترش و تنوع تولیدات مادی و حجم بسیار عظیمی از محصولات غیر مادی را فراهم کرد . حجم شاغلین در زمینه های غیر مادی به شدت افزایش یافته . در بعضی مناطق ثروت تولید شده به وسیله تولیدات غیر مادی بیش از محصولات مادی است . تمدن الکترونیک هم زمان حجم تولیدات غیر مادی را به شدت افزایش داده و استفاده از ماده را بهینه کرده است . الکترونیک قدرت تحقیق و گسترش علم را به شدت افزایش داده .

انسان بر خلاف تمدن صنعتی امکان استفاده از محصولات بسیار متنوعی را پیدا کرده . تنوع در تولید زمینه ساز تنوع در مصرف ، تنوع در آموزش ، تنوع در شکل زندگی ، تنوع در طرز فکر ، تنوع در باورها و ... شد . انسان دارای قدرت انتخاب و تصمیم گیری شده است . در مشاغل جدی عدم نیاز به کار در کنار هم (مثلا در کارخانه) مکان بازگشت به شهرهای کوچک و روستا ها را میدهد . امکان بازگشت به طبیعت . امکان تولید ثروت بدون تخریب طبیعت . امکان نه ، اجبار آشتی با طبیعت .

هر ساعت ، هر روز و هر ماه که می گذرد این تغییر عمیقتر و جدی تر میشود . قدرت تولید و در اختیار داشت اطلاعات جای قدرت کنترل یا مالکیت مواد اولیه را می گیرد . و در این فضا از یک طرف تنوع تولید کنندگان و تکثیر کنندگان اطلاعات زیاد شده و از طرف دیگر شکل و مفهوم اطلاع رسانی تغییر کرده است . با پایان تمدن صنعتی کپی سازی و یکسان سازی انسانها دیگر یک ارزش نیست بلکه یک ضد ارزش است . طرفداران انسان استاندارد در واقع در گذشته گیر کرده اند و در حال انقراض هستند . مدیریت بر انسان دارای ارزش های فردی اصولا با مدیریت بر انسان استاندارد شده صنعتی تفاوت خواهد داشت . در زمینه مفاهیم دیگری مثل اطلاع رسانی و روابط عمومی نیز به دنیای جدید وارد شده ایم و در حال فاصله گرفتن از گذشته هستیم .

قبل از این پیشرفت علم فیزیک ، انسان برای ماده اصالت قائل بود . ماده واقعیتی بدیهی بود . اما فیزیک چیز دیگری را نشان داد . ساختار اتم که شناخته شد دنیا شکل جدیدی گرفت . فیزیک نشان داد الکترونیایی که به دور هسته میچرخند حجم اتم را تشکیل میدهند . در واقع ماده ، فضای خالی درون اتم است و خود الکترون و هسته اتم در مقابل کل حجم اتم در واقع حجمی ندارند . معلوم شد که ماده مجموعه بزرگی است از فضاهای خالی . تمام این کشفیات در کنار گسترش علم و تولد فیزیک کوانتم به انسان امروز اجازه درک دنیا از نگاهی نو را داده است . دنیایی که در آن فضای مجازی یک فضای واقعی است . دنیای مجازی .

امروز انسان میداند که موجودی است مجازی که در دنیای مجازی و با محصولات مجازی زندگی می کند . میدانند که نیاز به جنگ بر سر ماده به سرعت در حال کم ارزش شدن است . میدانند که توانایی کشف و تولید هر گونه اطلاعات مورد نیازش را دارد . میدانند که اختیار و توانایی حق تصمیم گیری دارد . ممکن است قدرت های صنعتی هنوز برای کنترل و استاندارد کردن انسان توانایی های بسیاری داشته باشند . اما به سرعت در حال از دست دادن قدرت خود هستند . انسان دنیای نو به سرعت از عواقب تخریب گسترده محیط زیست خود و برداشت کوتاه نگرانه از طبیعت و از تقسیم شدن با مرزبندی های انسان ساخته فاصله می گیرد . انسان نو میداند که خودش و دیگر انسانها در کنار تمامی مخلوقات دیگر سلولهای یک بدن یکپارچه و گسترده هستند که

تخریب هر کدام اقدامی است علیه موجودیت خود . انسان مجازی ، تنوع طلب ، آگاه و مختار است و در دایره تنگ نگرشهای مدیریت تمدن صنعتی جا نمی گیرد . دنیای جدیدی آغاز شده است و نگاه جدیدی را میطلبد.